



بررسی گزارش شاخص‌های جهانی حکمرانی با تاکید بر جایگاه ایران^۱

محمد ذاکری | دکتری مدیریت دولتی، کارشناس امور مطالعات نظام‌ها و فناوری‌های مدیریتی، سازمان اداری و استخدامی کشور

چکیده: حکمرانی خوب، رویکردی در مباحث توسعه و اداره امور عمومی است که نزدیک به سه دهه از طرح آن می‌گذرد و بر توازن فعالیت‌ها بین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی تاکید دارد. این مقاله باهدف بررسی و تحلیل داده‌های شاخص جهانی حکمرانی که توسط بانک جهانی در سال ۲۰۱۸ منتشر شده، تدوین گردیده است. داده‌های شاخص جهانی حکمرانی در بازه زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۷ و در قالب شش مولفه پاسخ‌گویی و حق اعتراض، ثبات سیاسی و عدم خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد ارائه شده است. داده‌های فوق در این مقاله با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و به کمک نرم‌افزار اکسل در چند بخش تحلیل شده است. بخش اول به معرفی کشورهای دارای بالاترین و پایین‌ترین امتیاز در مولفه‌ها، بخش دوم به بررسی وضعیت کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، بخش سوم به بررسی وضعیت کشورهای حوزه سند چشم‌انداز و بخش چهارم به بررسی وضعیت ایران در شاخص سال ۲۰۱۷ اختصاص یافته است. نتایج تحلیل‌ها نشان داد در مورد ایران بالاترین امتیاز مربوط به مولفه اثربخشی دولت و پایین‌ترین امتیاز مربوط به مولفه پاسخ‌گویی و حق اعتراض است. امتیاز ایران اختلاف زیادی با میانگین کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) دارد. در مقایسه با میانگین کشورهای منطقه نیز امتیاز ایران در شاخص اثربخشی دولت و ثبات سیاسی، بالاتر از میانگین منطقه است، لیکن در چهار مولفه دیگر، پایین‌تر از میانگین منطقه قرار می‌گیرد. براساس نتایج فوق، پیشنهادهایی در محورهای شش‌گانه جهت بهبود وضعیت حکمرانی در ایران به مراجع سیاست‌گذار ارائه شده است.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، بانک جهانی، ایران، کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، کشورهای حوزه سند چشم‌انداز

مقدمه

رویکردی ارزش‌مدار، به بازتعریفی از رابطه تعاملی بین سه نهاد دولت، بخش خصوصی (بازار) و جامعه مدنی می‌پردازد (قلی‌پور، ۱۳۸۷). دولت در مفهوم جدید با مولفه‌هایی مانند دموکراسی^۵، عدالت‌محوری^۶، مشارکت^۷، اثربخشی^۸، حاکمیت قانون^۹ و کنترل فساد (کافمن و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۳) شناخته خواهد شد. مقوله حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران نیز کم‌وبیش از روند تغییر و تحولات جهانی بی‌نصیب نمانده، زیرا نهادهای اجتماعی-قانونی عهده‌دار مسئولیت‌های اداره امور کشور، همانند دیگر جوامع، در معرض نقادی صاحب‌نظران داخلی و خارجی قرار دارند. همچنین نقش و اندازه دولت در برخی از امور اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، خدماتی و زیربنایی بزرگ‌تر از حد معمول بوده و همین امر سبب شده تا نقش نظارتی و حاکمیتی دولت، تحت الشعاع امور تصدی‌گری

مفهوم حکمرانی خوب^۲، الگویی است که در پی ناکارآمدی ساز و کارهای پیشین توسعه، توسط کشورهای توسعه‌یافته و مجامع بین‌المللی ارائه شد. در الگوی موردنظر، دولت باید ثبات و پایداری را در جامعه ایجاد، چارچوب‌های قانونی مناسب و اثربخش برای فعالیت بخش عمومی و خصوصی را مستقر، ثبات و امنیت و عدالت را در بازار فراهم و با کاهش نقش تصدی‌گری و روی آوردن به نقش حمایتی در چنین شرایطی، اداره دولت را از روش مدیریت عمومی^۳ به روش حکمرانی عمومی^۴ تغییر دهد.

در سه دهه گذشته پارادایم حکمرانی خوب، به صورت پدیده‌ای جهان‌شمول درآمده و از یک کشور به کشور دیگر در حال گسترش است (ره‌نورد و عباسپور، ۱۳۸۶). حکمرانی خوب با انتخاب